

اشاره:

الگوی توسعه بر مبنای رشد صادرات و تجارت خارجی از روش‌های پذیرفته شده در سال‌های اخیر می‌باشد که اکثر اقتصاددان‌ها پیگیری آن را به مسؤلان و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توصیه می‌کنند.

با توجه به شرایط نوینی که در تجارت بین‌المللی پس از دور گفت‌وگوهای اروگوئه و پیمان تجارت جهانی به وجود آمده است، جهان اسلام برای ادامه روند رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌گیری از مواهب تجارت آزاد به منظور ایفای نقشی کارا تر در صحنه رقابت بین‌المللی، نیازمند آن است که بتواند از مزایای پیمان تجارت آزاد به نفع توسعه اقتصادی پایدار خود بهره گیرد.

سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در نشست اخیر خود در تهران بر ضرورت توجه به روند مناسبات تجاری جهان و اتخاذ راهبردها و شیوه‌های مناسب برای ایفای نقش بیشتر در تجارت بین‌المللی با هدف رشد اقتصادی جوامع مسلمان، تأکید کردند.

برای رسیدن به چنین هدفی که در بخش اقتصادی و تجاری، مهم‌ترین هدف تلقی می‌شود، ضرورت دارد که پایگاه اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و با توجه به این امر، برنامه‌ریزی مناسب برای تنوع بخشیدن به منابع تجارت خارجی آنها، و نیز رشد تجارت درون‌گروهی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی صورت بگیرد.

در این زمینه کتابی با عنوان پیامدهای موافقتنامه‌های دور اروگوئه برای تجارت کالا در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی انتشار یافته که مقاله حاضر از آن انتخاب شده است.

داراست.

مطلب دیگری که از این جدول استنباط می‌شود، این است که در ارتباط با اهمیت نسبی سایر بخش‌های تولیدی، یعنی کشاورزی و صنعت (شامل بخش مصنوعات یا صنایع کارخانه‌ای) تفاوت بین این کشورها نسبتاً زیاد است. تقریباً در نیمی از کشورهای گروه گزارش شده، صنعت و مصنوعات مهم‌ترین بخش مولد به حساب می‌آید. باید در نظر داشت که این گروه شامل کشورهای نفت‌خیز که در آنها استخراج نفت فعالیت غالب بوده و نیروی محرکه و اصلی فعالیت اقتصادی به‌طور کلی است نیز می‌باشد.

بخش کشاورزی در حدود ۱۵ کشور از کشورهای نمونه

درجه تأثیرپذیری مثبت یا منفی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از اجرای مقررات دور اروگوئه تا حد زیادی به ساختار اقتصادی این کشورها، ترکیب کالایی تجارت خارجی آنها، صادرات و واردات و شرکای تجاری کشورهای مزبور و اینکه آنها عضویت سازمان جهانی تجارت را دارند یا خیر، وابسته است.

جدول شماره ۱ که حاوی ترکیب تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به صورت متوسط دوره ۹۳-۱۹۸۰ می‌باشد، نشانگر یک تصویر نسبتاً جالب است. به استثنای یکی دو مورد، به نظر می‌رسد که بخش خدمات در تمامی این کشورها نقش عمده را

ساختار تولید و تجارت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

مترتب بر این افزایش قیمت بهره‌مند می‌گردد. با این همه چنین اقتصادهایی در معرض تحولات نامطلوب نیز قرار دارند. اگر قیمت‌های نسبی تک‌محصولی صادراتی این کشورها کاهش یابد، مسلماً اثرات نامساعدی بر اقتصاد آنها باقی خواهد گذاشت.

البته این پدیده برای کشورهای مزبور ناشناخته نیست و از مدت‌ها قبل به آن واقف هستند و به همین علت کشورهای مزبور تمام مساعی لازم را برای تجدید ساختار اقتصادهای خود براساس و پایه تنوع‌بخشی به تولیدات و صادرات انجام می‌دهند. عصر جدیدی که باید منتظر شکل‌گیری آن پس از دور اروگوئه باشیم، جو مناسبی را برای کشورهای مزبور به وجود خواهد آورد تا بتوانند مساعی خود را در این جهت متمرکز و آن را تسریع نمایند. با این همه باید از مهلت مقرر برای اجرای نتایج دور اروگوئه به حداکثر ممکن به‌منظور انجام تغییرات ساختاری لازم برای ایجاد ساختار اقتصادی بهتر استفاده شود تا این کشورها بتوانند نقش بهتری را در تقسیم بین‌المللی کار ایفا نمایند.

○ از تلفیق و ترکیب صادرات و واردات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، می‌توان به مشکل اساسی و شناخته شده این کشورها، یعنی صادرکننده بودن مواد خام و اولیه و واردکننده بودن کالاهای ساخته شده پی برد.

کشورهای صادرکننده نفت عضو سازمان کنفرانس اسلامی، در واقع دارای منابع لازم، یعنی پس‌اندازهای داخلی، برای انجام چنین تعدیلهایی در اقتصاد خود هستند. چنانچه سرمایه‌گذاری‌های منطقی در بسیاری از زمینه‌های تولید که نهادها و سازمان‌های مسئول در کشورها، موارد آن را مشخص خواهند نمود، انجام شود به تحقیق، این انگیزه را در کشورهای مزبور به وجود خواهد آورد تا به‌منظور دستیابی به آینده بهتر چنین تغییر و تعدیلاتی را انجام دهند. مع‌ذلک باید گفت داخل شدن در این فرآیند برای کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی که از منابع مالی بهره‌قابل‌توجهی ندارند، چندان سهل و ساده نیست.

مورد مطالعه که اکثر آنها متعلق به گروه کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی در بین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی هستند، از سایر بخش‌ها مهم‌تر است. در مابقی کشورها، بخش‌های کشاورزی و صنعتی کم و بیش دارای وزن و اهمیت مساوی می‌باشند. شایان ذکر است که در این تصویر کلی کشورهای نیز مشاهده می‌شوند که اقتصاد آنها به یک فعالیت یا یک بخش وابستگی شدید دارد، یعنی نفت در مورد کشورهای تولیدکننده نفت و کشاورزی در مورد کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی.



کشورهایی که اقتصاد آنها تک‌محصولی است نسبت به شوک‌های بین‌المللی آسیب‌پذیر هستند و تغییرات در سطوح نسبی قیمت‌های بین‌المللی تک‌محصول صادراتی آنها که اثرات وسیعی را بر اقتصاد کلی این کشورها برجای می‌گذارد. زمانی که قیمت کالای مورد بحث افزایش می‌یابد، اقتصاد این کشورها وارد یک دوران رونق و شکوفایی می‌شود و از تمام منافع

جدول ۱

ترکیب تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (متوسط دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰)

(درصد)

خدمات	توليدات کارخانه‌ای	صنعت	کشاورزی	کشور
				کشورهای با کمترین توسعه یافتگی
۱۷/۷		۱۴/۳	۶۹/۰	افغانستان
۴۴/۸	۱۰/۷	۱۶/۱	۳۹/۲	بنگلادش
۵۱/۶	۷/۷	۱۳/۸	۳۴/۶	بنین
۳۸/۵	۱۱/۸	۱۸/۹	۴۲/۸	بورکینافاسو
۳۷/۸	۱۷/۷	۱۹/۱	۴۳/۱	چاد
۵۰/۶	۳/۹	۱۱/۹	۳۷/۴	کومور
۷۸/۵	۴/۵	۱۸/۷	۲/۵	جیبوتی
۵۴/۶	۶/۹	۱۳/۳	۳۲/۱	گامبیا
۳۵/۷	۳/۸	۳۰/۱	۳۴/۲	گینه
۳۸/۹	۸/۷	۱۶/۲	۴۴/۸	گینه بیسائو
۶۰/۱	۵/۳	۱۴/۷	۲۵/۲	مالدیو
۳۸/۳	۷/۱	۱۳/۱	۴۸/۶	مالی
۴۲/۶	۹/۶	۲۷/۴	۳۰/۰	موریتانی
۴۲/۶	۶/۳	۱۸/۸	۳۸/۷	نیجر
۴۴/۴	۵/۳	۱۷/۱	۳۸/۵	سیرالئون
۲۵/۵	۴/۷	۸/۲	۶۶/۳	سومالی
۵۱/۲	۸/۷	۱۵/۷	۳۳/۱	سودان
۳۳/۵	۵/۴	۹/۴	۵۷/۱	اوگاندا
۵۳/۳	۹/۶	۲۵/۵	۲۱/۲	جمهوری یمن
۴۴/۲	۷/۷	۱۷/-	۳۸/۹	متوسط کشورهای با کمترین توسعه یافتگی
				کشورهای دارای درآمد متوسط
۳۸/۴		۳۳/۴	۲۹/۱	آلبانی
۳۰/۲	۳۶/۴	۴۵/۵	۲۴/۳	آذربایجان
۴۴/۱	۱۳/۱	۳۱/۱	۲۴/۹	کامرون
۵۱/۹	۱۷/۹	۲۸/۸	۱۹/۲	مصر
۶۵/۵	۱۳/۳	۲۷/۷	۶/۷	اردن
۲۹/۷		۳۹/۱	۳۱/۱	قرقیزستان
	۱۲/۸			لبنان
۴۲/۰	۱۶/۶	۳۷/۸	۲۰/۲	مالزی
۵۰/۷	۱۷/۹	۳۲/۲	۱۷/۱	مراکش

کشور	کشاورزی	صنعت	توليدات کارخانه‌ای	خدمات
پاکستان	۲۷/۷	۲۳/۹	۱۶/۷	۴۸/۴
سنگال	۱۹/۹	۱۸/۱	۱۲/۳	۶۲/۰
سوریه	۲۴/۴	۲۳/۷	۷/۳	۵۲/۴
تاجیکستان	۲۸/۵	۳۶/۸		۳۴/۹
تونس	۱۶/۱	۳۳/۶	۱۵/۸	۵۰/۴
ترکیه	۱۸/۶	۳۲/۲	۲۱/۷	۴۹/۲
متوسط کشورهای دارای درآمد متوسط	۲۲	۳۱/۷	۱۶/۸	۴۶/۴
کشورهای صادرکننده نفت				
الجزایر	۱۱/۷	۴۷/۶	۱۰/۷	۴۰/۷
بحرین	۱/۱	۲۷/۱	۱۵/۱	۵۱/۸
بروشی	۱/۰	۷۸/۳	۹/۹	۲۱/۵
گابن	۷/۹	۵۰/۸	۸/۳	۴۱/۳
اندونزی	۲۳/۶	۳۸/۳	۱۷/۰	۳۸/۱
ایران	۲۲/۰	۲۹/۰	۱۰/۳	۴۹/۰
عراق	۷/۳	۷۳/۰	۹/۴	۲۳/۵
لیبی	۲/۷	۶۳/۷	۳/۲	۳۳/۶
کویت	۰/۵	۵۲/۸	۸/۴	۴۶/۸
نیجریه	۳۴/۴	۳۵/۳	۷/۳	۳۰/۳
عمان	۳/۲	۵۸/۱	۲/۹	۳۸/۷
قطر		۵۲/۰	۷/۳	۲۶/۰
عربستان سعودی	۴/۹	۵۵/۲	۶/۹	۴۰/۰
ترکمنستان	۲۸/۱	۳۶	-	۳۶/۲
امارات متحده عربی	۱/۶	۶۲/۸	۸/۲	۳۵/۶
متوسط کشورهای نفت خیز	۱۰/۷	۵۲/۲	۸/۹	۳۸/۲
متوسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	۲۵/۵	۳۲/۲	۱۰/۶	۴۲/۰

منبع: گزارش توسعه جهانی - بانک جهانی ۱۹۹۵

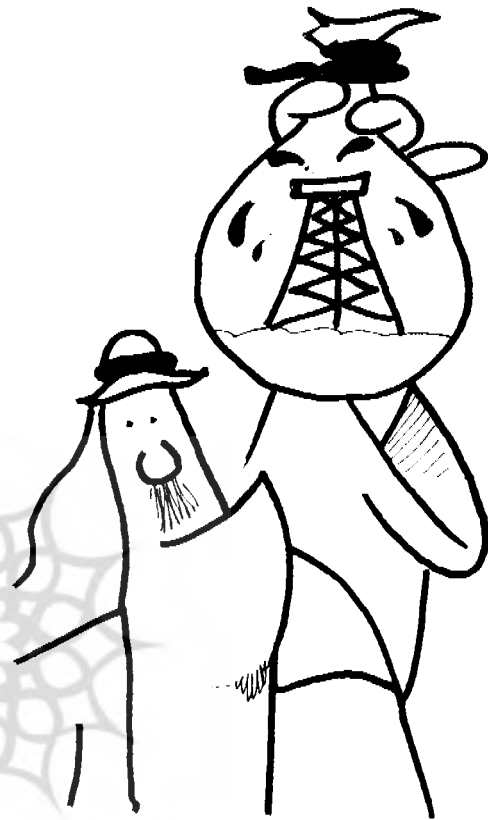
استخراج و اکتشاف نفت در بخش صنعت در این کشورها است. حال اگر رقم متوسط مربوط به بخش‌ها را در گروه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به‌طور کلی در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که از لحاظ اهمیت نسبی بین دو بخش کشاورزی و صنعت، اختلاف چندانی وجود ندارد. برای کل گروه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی حدود ۳۰ درصد است که این رقم به بخش محصولات کارخانه‌ای اختصاص دارد و سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی این کشورها ۲۵/۵ درصد می‌باشد.

اگر متوسط گروهی را در نظر آوریم، مشاهده خواهیم کرد که بخش کشاورزی در کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی نقش مهم‌تری دارد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی دو برابر صنعت است. در مورد کشورهای دارای درآمد متوسط، صنعت مهم‌ترین بخش مولد است و محصولات کارخانه‌ای بیش از نیمی از تولیدات صنعتی را تشکیل می‌دهد. در مورد کشورهای صادرکننده نفت، نقش صنعتی به‌وضوح به مراتب بیش از بخش کشاورزی است. شایان ذکر است که محصولات کارخانه‌ای تنها بخش کوچکی از فعالیت صنعتی را در این کشورها تشکیل می‌دهد که این خود نشانگر غالب بودن فعالیت‌های مربوط به

آورده و بر توسعه خود افزوده‌اند. دوره زمانی که برای آن آمار و ارقام تنها می‌توان سؤالاتی را درخصوص توانایی بسیاری از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برای تجدید ساختار اقتصادهای خود به درجه و میزانی که آنها را قادر به حداکثر بهره‌برداری ممکن از اجرای مقررات مزبور نماید، مطرح نمود.

ساختار تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بدون شک اثری مستقیم بر ترکیب صادرات و واردات و تا حد کمتری بر مقصدهای تجاری و شرکای تجاری آنها دارد. همچنان که از جدول شماره ۳ برمی‌آید، محصولات کشاورزی، البته با استثنائات معدودی، عمده‌ترین محصولات صادراتی را در کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی در میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل می‌دهد. مواد خام غیرکشاورزی درصد مهمی از کل صادرات کشور نیجر (۸۳ درصد) و سیرالئون (۲۸/۳ درصد) را تشکیل می‌دهد. مواد سوختنی ۳۰/۲ درصد صادرات کشور بنین است. ولی در عین حال مشاهده می‌کنیم که محصولات ساخته شده کارخانه‌ای در ترکیب صادرات کشورهای چون بنگلادش ۷۸/۴ درصد، یمن ۵۴/۷ درصد و گینه بیسائو ۲۴/۴ درصد است. سهم این کالاها در سیرالئون ۳۷/۱ درصد و کومور ۲۲/۴ درصد بوده که نسبتاً بالا و مهم است.

در میان کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی، به‌استثنای کشور نیجر که در آنجا صادرات مواد خام غیرکشاورزی از اهمیت برخوردار است، کشورهای اخیر دارای یک ساختار صادراتی نسبتاً متنوع هستند. با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، این بدان معنا است که این گروه فرعی از گروه کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، برای انجام تغییرات سیاست‌گذاری مورد لزوم برای اجرای مقررات دور اروکوئه در وضعیت نسبتاً مساعدتری نسبت به بقیه اعضا قرار دارند. با این همه حقیقتی که وجود دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، این است که اگر آن دسته از کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی عضو سازمان کنفرانس اسلامی را به صورت گروه در نظر بگیریم، به این نتیجه خواهیم رسید که محصولات کشاورزی بیش از نیمی از صادرات این گروه را تشکیل می‌دهد. حال اگر ما واردات این گروه کشورها را با ساختار صادراتی آنها مقایسه نماییم، این تصور بهتر درک خواهد شد.



○ ساختار تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بدون شک اثر مستقیم بر ترکیب صادرات و واردات و تا حد کمتری بر مقصدهای تجاری و شرکای تجاری آنها دارد.

در واقع اگر ما ارقام جدول شماره ۱ را با جدول شماره ۲ که در ذیل می‌آید مقایسه کنیم، مشاهده خواهیم نمود که در دو دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰ و ۱۹۹۳-۱۹۹۰ تغییر قابل ملاحظه‌ای در این ارقام به وجود نیامده است. این بدان معنا است که تغییرات تحولات ساختاری در اکثر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی همان‌طور که انتظار هم می‌رود، بطئی و کند است. با این همه بایستی خاطر نشان ساخت که در بعضی از این کشورها برخی از بخش‌ها به ضرر بخش‌های دیگر منافعی را به دست

درصد صادرات کالاهای ساخته شده بالا و مهم باشد، در آن صورت داشتن درصد بالایی از واردات این کالاها فی نفسه معضل و مشکلی را ایجاد نمی‌کند و این درست وضعیتی است که کشورهای توسعه‌یافته دارا هستند. ولی در مورد کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی این چنین نیست و اهمیت داشتن واردات کالاهای ساخته شده در ترکیب واردات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بازتابی است از عدم تعادل‌های جدی ساختاری در این کشورها.

با نظری به جدول شماره ۴، مدلل خواهد شد که در تمام کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی، به استثنای کومور، مصنوعات کارخانه‌ای مهم‌ترین اقلام وارداتی آنها را تشکیل می‌دهد. از تلفیق و ترکیب ساختار صادرات و واردات آنها با یکدیگر، می‌توان به مشکل اساسی و شناخته شده این کشورها یعنی صادرکننده بودن مواد خام و اولیه خصوصاً کشاورزی و واردکننده بودن کالاهای ساخته شده پی برد. البته در مسیرتی که در ساختار تجارت خارجی کشوری

جدول ۲

ترکیب تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (به صورت متوسط سال‌های ۹۳-۱۹۹۰)

(درصد)

خدمات	توليدات کارخانه‌ای	صنعت	کشاورزی	کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی
				افغانستان
۴۹/۲	۹/۶	۱۶/۴	۳۴/۵	بنگلادش
۵۰/۷	۷/۸	۱۲/۹	۳۶/۵	بنین
۳۷/۰		۱۹/۹	۴۳/۸	بورکینافاسو
۳۷/۴	۱۷/۵	۲۱/۳	۴۱/۳	چاد
۴۹/۲	۴/۳	۱۰/۶	۴۰/۲	کومور
۷۷/۳	۴/۶	۱۹/۹	۲/۸	جیبوتی
۵۸/۲	۷/۱	۱۴/۲	۲۷/۶	کامبیا
۳۸/۴	۴/۰	۳۲/۷	۲۸/۹	گینه
۳۷/۷	۸/۲	۱۸/۲	۴۴/۲	گینه بیسائو
۶۰/۹		۱۷/۰	۲۲/۱	مالدیو
۴۱/۴	۸/۶	۱۴/۷	۴۳/۹	مالی
۴۲/۶	۱۱/۰	۲۸/۵	۲۸/۹	موریتانی
۴۵/۴	۶/۶	۱۷/۲	۳۷/۵	نیجر
۴۵/۸	۵/۹	۱۶/۱	۳۸/۱	سیرالئون
۲۵/۹	۴/۶	۸/۹	۶۵/۳	سومالی
۵۲/۶	۹/۱	۱۶/۵	۳۱/۷	سودان
۳۴/۷	۵/۴	۱۱/۷	۵۳/۶	اوگاندا
۵۳/۳	۹/۸	۲۵/۵	۲۱/۲	جمهوری یمن
۴۶/۵	۷/۸	۱۷/۹	۳۵/۷	متوسط کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی
				کشورهای دارای درآمد متوسط
۴۲/۵		۲۴/۶	۳۴/۷	آلبانی
۲۹/۵	۳۵/۳	۴۳/۵	۲۷/۰	آذربایجان

ادامه جدول ۲

خدمات	تولیدات کارخانه‌ای*	صنعت	کشاورزی	
۴۷/۱	۱۲/۴	۲۶/۹	۲۶/۰	کامرون
۵۸/۶	۱۷/۳	۲۳/۴	۱۸/۱	مصر
۶۴/۸	۱۴/۶	۲۷/۵	۷/۸	اردن
۲۷/۴		۳۶/۱	۳۶/۴	قوزستان
				لبنان
۴۰/۰	۲۱/۲	۴۳/۵	۱۶/۵	مالزی
۵۱/۶	۱۸/۲	۳۲/۳	۱۶/۱	مراکش
۶۱/۷	۱۳/۱	۱۸/۹	۱۹/۵	سنگال
۴۸/۳	۵/۳	۲۲/۷	۲۹/۵	سوریه
۳۴/۳		۳۴/۶	۳۱/۶	تاجیکستان
۵۱/۰	۱۸/۹	۳۱/۶	۱۷/۵	تونس
۵۳/۷	۱۹/۲	۳۰/۲	۱۶/۱	ترکیه
۴۷/۰	۱۷/۶	۳۰/۴	۲۲/۳	متوسط کشورهای دارای درآمد متوسط
				کشورهای صادرکننده نفت
۴۲/۰	۱۰/۸	۴۴/۷	۱۳/۳	الجزایر
۵۶/۴	۱۶/۵	۴۲/۷	۰/۹	بحرین
	۸/۶			برونئی
۴۴/۹	۱۱/۵	۴۶/۸	۸/۳	گابن
۳۹/۹	۲۱/۵	۴۰/۲	۲۰/۰	اندونزی
۴۶/۶	۱۳/۵	۳۰/۶	۲۲/۸	ایران
				عراق
				لیبی
۵۶/۷	۸/۶	۴۲/۸	۰/۵	کویت
۲۳/۷	۶/۲	۴۳/۰	۳۳/۳	نیجریه
۴۲/۳	۴/۱	۵۴/۲	۳/۳	عمان
۴۸/۹	۱۷/۴	۲۵/۴	۲۵/۷	پاکستان
				قطر
۴۱/۸	۷/۶	۵۱/۴	۶/۶	عربستان سعودی
۳۷/۳		۳۰/۴	۳۲/۲	ترکمنستان
۳۷/۵	۷/۷	۶۰/۵	۲/۰	امارات متحده عربی
۴۳/۲	۱۱/۲	۴۲/۷	۱۴/۱	متوسط کشورهای صادرکننده نفت
۴۵/۷	۱۱/۴	۲۸/۶	۲۵/۸	متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

منبع: گزارش‌های توسعه جهانی - بانک جهانی ۱۹۹۵

جدول ۳

توزیع صادرات بین گروه کالاهای اساسی (متوسط سال‌های ۹۲-۱۹۸۰)

(درصد)

مواد خام غیر کشاورزی	کالاهای کشاورزی		کل کالاهای کشاورزی	کالاهای کارخانه‌ای	مواد سوختی	
	انلام غیر غذایی	انلام غذایی				
۱۱/۰	۱/۸	۶/۳	۸/۱	۷۸/۴	۱/۴	کشورهای با کمترین توسعه یافتگی بنگلادش
۱/۲	۲۴/۶	۲۷/۶	۵۲/۲	۶/۷	۳۰/۲	بنین
۱/۲	۴۵/۷	۱۸/۷	۶۴/۴	۹/۶		بورکینافاسو
		۷۱/۳	۷۱/۳	۲۲/۴	۰/۷	کومور
۰/۲	۶/۲	۳۵/۶	۴۱/۸	۱۱/۶		جیبوتی
۲/۷	۰/۰	۵۳/۹	۵۳/۹	۴۳/۴		گینه بیسائو
۴/۴	۵۸/۰	۲۰/۴	۷۸/۴	۱۳/۴		مالی
۸۳/۰	۰/۷	۱۱/۵	۱۲/۲	۳/۶	۱/۱	نیجر
۲۸/۳	۰/۴	۳۲/۱	۳۲/۵	۳۷/۱	۲/۳	سیرالئون
۰/۰	۳/۰	۹۱/۶	۹۴/۶	۱/۵	۱/۸	سومالی
۹/۱	۳۷/۴	۴۸/۵	۸۵/۹	۲/۱	۲/۸	سودان
۲/۱	۲/۹	۲۹/۷	۳۳/۶	۵۴/۷		یمن
۱۳/۰	۱۶/۵	۳۷/۳	۵۲/۴	۲۳/۷	۵/۸	متوسط کشورهای با کمترین توسعه یافتگی
						کشورهای با در آمد متوسط
۹/۰	۴/۲	۳۵/۵	۳۹/۷	۱۵/۷	۳۳/۲	کامرون
۰/۷	۱۱/۲	۷/۹	۱۹/۱	۲۷/۴	۵۲/۶	مصر
۲۷/۹	۰/۴	۱۵/۵	۱۵/۹	۵۳/۷		اردن
۲۰/۳		۱۳/۶	۱۳/۶	۴۴/۱	۲۱/۶	مالزی
۲۲/۱	۱/۴	۱۵/۲	۱۶/۶	۵۷/۶	۳/۳	مراکش
۰/۶	۱۲/۸	۱۲/۲	۲۵/۰	۷۱/۸	۱/۹	پاکستان
۱۲/۲	۲/۶	۲۵/۵	۲۸/۱	۳۴/۰	۱۸/۶	سنگال
۱/۸	۷/۶	۷/۵	۱۵/۱	۲۴/۲	۵۸/۹	سوریه
۲/۷	۰/۳	۸/۳	۸/۶	۵۹/۷	۲۹/۰	تونس
۴/۳	۲/۹	۲۷/۰	۲۹/۹	۶۲/۹	۲/۹	ترکیه
۱۰/۲	۴/۸	۱۶/۸	۲۱/۲	۴۵/۱	۲۴/۷	متوسط کشورها با در آمد متوسط
						کشورهای صادرکننده نفت
۰/۴		۰/۵	۰/۵	۱/۷	۹۷/۲	الجزایر

مواد خام غیر کشاورزی	کالاهای کشاورزی		کل کالاهای کشاورزی	کالاهای کارخانه‌ای	مواد سوختی	
	اقلام غیر غذایی	اقلام غذایی				
۰/۲		۱/۳	۱/۳	۱۸/۱	۸۰/۱	بحرین
		۰/۲	۰/۲	۱/۲	۹۸/۵	بروتی
۱۲/۲		۰/۱	۰/۱	۴/۶	۸۳/۱	گابن
۹/۲	۰/۵	۷/۰	۷/۵	۲۶/۱	۵۶/۴	اندونزی
۰/۲		۰/۴	۰/۴	۲/۵	۹۶/۵	لیبی
۰/۴	۰/۰	۱/۰	۱/۰	۱۷/۲	۸۱/۲	کویت
۰/۳		۲/۴	۲/۴	۰/۳	۹۶/۲	نیجریه
۰/۳		۱/۷	۱/۷	۱۳/۴	۸۳/۳	عمان
۰/۲				۱۱/۰	۸۸/۸	قطر
۰/۳		۰/۳	۰/۳	۲/۹	۹۵/۹	عربستان سعودی
۱/۰		۷/۱	۷/۱	۳۴/۱	۵۵/۷	امارات متحده عربی
۲/۲	۰/۳	۲/۰	۲/۰	۱۱/۱	۸۴/۴	متوسط کشورهای صادرکننده نفت
۸/۴	۱۰/۳	۱۹/۳	۲۶/۲	۲۵/۶	۴۵/۵	متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

منبع: آمارهای تجارت بین‌المللی کتاب سال سازمان ملل ۱۹۸۰-۹۲

رقابت بسیار بالا در سطح جهانی و مقتضیات و الزاماتی که چنین تحولی از لحاظ فن‌آوری و کیفیت تولید به همراه خواهد داشت، مواجه شوند. در چنین وضعیتی بسیاری از صنایع محصولات کارخانه‌ای مربوط به کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی، با همه تأثیرات و تبعات سوئی که خارج شدن آنها از بازار از لحاظ اشتغال، قیمت‌ها و توسعه صنعتی بلندمدت، ایجاد خواهد نمود، به اجبار از صحنه بازارها بیرون رانده خواهند شد.

از بعد صادرات می‌توان گفت که دسترسی به بازار نیز لزوماً برای آنان تضمین شده نیست، چرا که مشکل این کشورها تنها مشکل تقاضا نیست، بلکه این کشورها با مشکلات شدید از ناحیه عرضه و کمبود آن نیز مواجه هستند. بنابراین کشورهای مزبور تحت فشار دوجانبه یعنی افزایش واردات و کاهش صادرات قرار خواهند گرفت و یا لاقلاً با افزایش و گسترده‌تر شدن شکاف تجاری مواجه خواهند گشت که این

این حقیقت که در ساختار تجارت خارجی کشورهای مزبور، واردات مصنوعات و کالاهای کارخانه‌ای، بخش عظیمی از واردات را تشکیل می‌دهد و رقم مربوط به صادرات این اقلام پایین است، خود دلیلی است که با وجود آنکه تقریباً تمامی آنها سیاست‌های حمایتی را تعقیب نموده و یارانه به صنایع داخلی اعطا می‌نمایند، معذک صنایع داخلی آنها هنوز مراحل نوباوگی خود را طی می‌کند. گرچه این مشکل همواره در دستور کار کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی قرار داشته، مع‌هذا می‌تواند با اجرای مقررات دور اروگوئه ابعاد جدی‌تری به خود بگیرد.

با وجود این حقیقت که مقررات دور اروگوئه قابلیت‌های انعطافی زیادی را برای کشورهای مزبور به صورت اعطای امتیازات در نظر گرفته، ولی اگر ساختارهای فعلی تولید و تجارت خارجی آنها به صورت رضایت‌بخشی متحول نشود، به احتمال زیاد آنها مجبور خواهند شد با بازارهایی با درجه

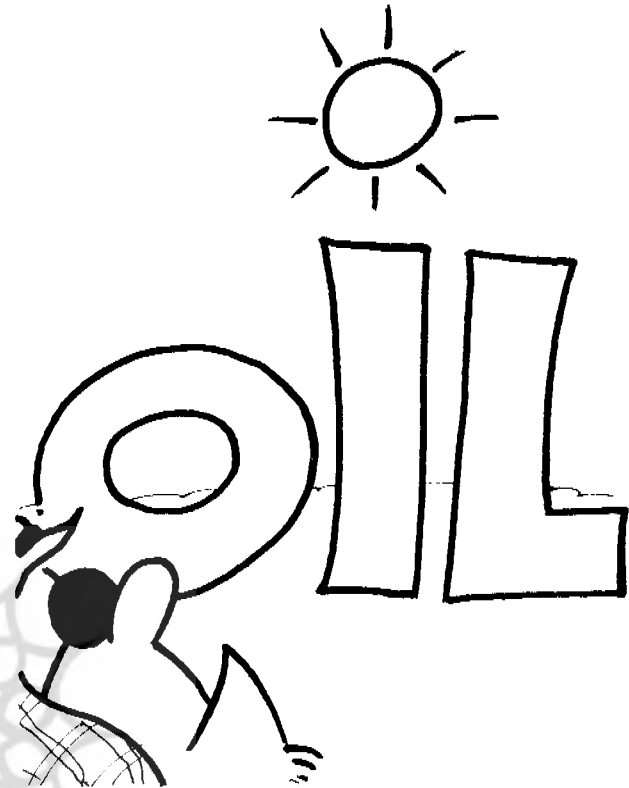
ناشی از ترتیبات مختلف مربوط به برقراری سهمیه برای واردات از این کشورها را از دست خواهند داد. جزییات مربوط به اثرات موردانتظار بر گروه مختلف کالاها در قسمت‌های بعدی مطرح خواهد شد.

اگر ساختار واردات گروه کشورهای با درآمد متوسط را بررسی نماییم، به راحتی مشاهده خواهیم نمود که در این کشورها کالاهای ساخته شده مهم‌ترین کالاهای وارداتی هستند. هنگامی که این موضوع در کنار ساختار صادراتی این کشورها قرار داده شود و به صورت توأمان بررسی گردد، به این نتیجه می‌رسیم که ساختار کلی تجارت خارجی این کشورها تحت تأثیر و سلطه تجارت کالاهای ساخته شده قرار دارد. همان‌طور که قبلاً نیز خاطر نشان گردید، این گروه کشورهای استند که نسبت به سایر اعضای سازمان کنفرانس اسلامی دارای متنوع‌ترین ساختار تولیدی و تجارت خارجی می‌باشند. بنابراین کشورهای مزبور در موقعیت نسبتاً بهتری نسبت به سایرین برای استفاده از نتایج مثبت اجرای موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه قرار دارند و البته این بهره‌مندی منوط به ترکیب تولیدات صادراتی و وارداتی آنها می‌گردد.

کشورهای صادرکننده نفت، گروه خاصی را تشکیل می‌دهند چرا که در این کشورها نفت به‌طور کامل ساختار صادراتی آنها را تحت تأثیر خود دارد. در بین این گروه تنها امارات متحده عربی و اندونزی دارای صادرات نسبتاً قابل توجه در کالاهای ساخته شده هستند. از آنجایی که هیدروکربورها از مقررات دور اروگوئه مستثنی هستند، بنابراین صادرات این کشورها به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و بستگی به تحولات در تقاضای نفت و میزان مالیات‌های مختلفی خواهد داشت که کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت بر منابع انرژی وضع خواهند نمود.

واردات این کشورها همانند آنچه در مورد کشورهای دارای درآمد متوسط مصداق داشت، به‌طور عمده از کالاهای ساخته شده تشکیل می‌شود. وضعیت این کشورها خصوصاً در قبال موضوع دسترسی به بازار تا حدی پیچیده است. در قبال امتیازاتی که این کشورها به موجب مقررات دور اروگوئه به صورت باز نمودن بازارهای خود به روی کالاهای خارجی خواهند داد، انجام عمل متقابل و مشابه روشنی از طرف کشورهای صنعتی برای صادرات عمده کشورهای مزبور به نظر نمی‌رسد.

تحولات به نوبه خود تعادل‌های کلان داخلی و خارجی اقتصاد این کشورها را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب چنین حالتی چالش واقعی برای اکثریت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به وجود خواهد آورد.



اما در ارتباط با گروه کشورهای دارای درآمد متوسط، همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، کالاهای ساخته شده مهم‌ترین قلم صادراتی را در اکثر کشورهای این گروه تشکیل می‌دهد. این وضعیت در مورد کشور کامرون که عمده‌ترین اقلام صادرات آن مواد غذایی و سوختی است و نیز کشورهای مصر و سوریه که در آنها مواد سوختی مهم‌ترین رقم صادراتی را تشکیل می‌دهد، مصداق ندارد. اهمیت و نقش عمده کالاهای ساخته شده در صادرات این گروه از کشورها، متضمن این نکته است که کشورهای مزبور در صورتی که اقدامات و تدابیر لازم را برای بهبود کیفیت محصولات خود اتخاذ نمایند و قدرت رقابتی خارجی خود را براساس استانداردهای بین‌المللی اعتلا بخشیده و با این استانداردها منطبق سازند، در آن صورت از شانس و موقعیت خوبی برای بهره‌گیری از فرصت‌های جدید به وجود آمده درخصوص دسترسی به بازار برخوردار خواهند شد.

با این همه باید به خاطر داشت که این کشورها برخی از امتیازات مربوط به رفتار ترجیحی نسبت به خود را که در قالب نظام عمومی ترجیحات از آن بهره‌مند هستند و نیز امتیازات

جدول ۴

توزیع واردات بین گروه کالاهای اساسی (متوسط سال‌های ۹۲-۱۹۸۰)

(درصد)

مواد خام غیر کشاورزی	کالاهای کشاورزی		کل کالاهای کشاورزی	کالاهای کارخانه‌ای	مواد سوختی	
	اقلام غیر غذایی	اقلام غذایی				
						کشورهای با کمترین توسعه یانگی
۳/۶	۳/۷	۲۳/۵	۲۷/۲	۵۵/۸	۱۲/۹	بنگلادش
۱/۸		۲۶/۱	۲۶/۱	۵۸/۳	۷/۳	بنین
۲/۵		۲۴/۲	۲۴/۲	۵۹/۲	۱۱/۸	بورکینا فاسو
		۲۷/۰	۲۷/۰	۲۱/۵	۱۱/۲	کومور
۲/۷	۹/۰	۲۷/۴	۳۶/۳	۵۰/۳	۷/۷	جیبوتی
۲/۴		۱۹/۸	۱۹/۸	۷۱/۵	۶/۳	گینه بیسائو
۰/۹		۲۳/۱	۲۳/۱	۵۹/۹	۱۵/۱	مالی
۳/۱		۱۸/۵	۱۸/۵	۵۶/۲	۲۰/۹	نیجر
۱/۳		۲۶/۷	۲۶/۷	۵۲/۸	۱۸/۷	سیرالئون
۰/۵	۵/۴	۲۴/۴	۲۹/۸	۶۳/۵	۵/۱	سومالی
۱/۷		۲۲/۵	۲۲/۵	۵۹/۵	۱۵/۹	سودان
۰/۶		۲۹/۸	۲۹/۸	۶۰/۲	۸/۶	یمن
۱/۹	۶/۰	۲۴/۴	۲۵/۹	۵۵/۷	۱۱/۸	متوسط کشورهای با کمترین توسعه یانگی
						کشورهای با درآمد متوسط
۳/۶	۰/۳	۱۱/۷	۱۲/۰	۸۰/۰	۲/۸	کامرون
۶/۶	۰/۴	۲۸/۳	۲۸/۷	۶۱/۶	۳/۲	مصر
۲/۱	۰/۴	۱۹/۴	۱۹/۸	۵۷/۳	۱۷/۵	اردن
۲/۵	۰/۶	۸/۹	۹/۵	۷۷/۳	۸/۱	مالزی
۹/۰	۱/۳	۱۵/۱	۱۶/۴	۵۴/۹	۱۹/۷	مراکش
۵/۴	۰/۸	۱۵/۳	۱۶/۱	۵۷/۴	۲۱/۱	پاکستان
۲/۵		۲۳/۴	۲۳/۴	۴۹/۵	۲۲/۸	سنگال
۲/۹	۰/۳	۱۸/۰	۱۸/۳	۵۲/۹	۲۵/۶	سوریه
۷/۰	۰/۷	۱۲/۵	۱۳/۲	۶۸/۱	۱۱/۱	تونس
۶/۰	۲/۱	۵/۳	۷/۴	۶۰/۳	۲۶/۱	ترکیه
۴/۸	۰/۸	۱۵/۸	۱۶/۵	۶۱/۹	۱۵/۹	متوسط کشورهای با درآمد متوسط
						کشورهای صادرکننده نفت
۳/۷	۰/۷	۳۳/۷	۲۴/۴	۶۹/۶	۲/۱	الجزایر

(درصد)

مواد خام غیر کشاورزی	کالاهای کشاورزی		کل کالاهای کشاورزی	کالاهای کارخانه‌ای	مواد سوختی	
	غذایی	غذایی غیر				
۱/۰		۸/۳	۸/۳	۲۵/۲	۲۲/۱	بحرین
۱/۲		۱۸/۴	۱۸/۴	۷۷/۰	۱/۳	برونسی
۱/۳		۱۶/۰	۱۶/۰	۸۰/۷	۱/۸	گابن
۴/۵	۱/۹	۷/۱	۹/۰	۷۳/۲	۱۲/۵	اندونزی
۱/۲	۰/۲	۱۸/۴	۱۸/۶	۷۸/۸	۰/۶	لیبی
۱/۲	۰/۲	۱۵/۸	۱۶/۰	۸۱/۰	۰/۸	کویت
۱/۸	۰/۵	۱۵/۲	۱۵/۷	۸۰/۷	۱/۱	نیجریه
۱/۲	۰	۱۶/۲	۱۶/۲	۷۳/۱	۴/۳	عمان
۳/۱	۰/۱	۱۶/۱	۱۶/۲	۷۹/۶	۰/۸	قطر
۱/۲		۱۴/۱	۱۴/۱	۸۱/۶	۰/۷	عربستان سعودی
۱/۷		۱۲/۵	۱۲/۵	۷۸/۲	۷/۰	امارات متحده عربی
۲/۰	۰/۶	۱۵/۲	۱۵/۵	۷۲/۹	۶/۴	متوسط کشورهای صادرکننده نفت
۲/۸	۱/۶	۱۸/۶	۱۹/۵	۶۲/۳	۱۱/۱	متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

منبع: آمارهای تجارت بین‌المللی کتاب سال، سازمان ملل ۹۲-۱۹۸۰

۳۳ کشور (از ۴۷ کشور) را به خود اختصاص داده‌اند. سهم آنان بین ۱۰ تا ۵۰ درصد در ده کشور دیگر بوده و تنها در دو کشور دیگر عضو سازمان کنفرانس اسلامی است که سهم آنان کمتر از ۱۰ درصد است.

با این همه باید در نظر داشت که مبادلات نسبتاً مهمی در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارد. تقریباً در نیمی از کشورهای عضو گروه بیش از ۱۰ درصد صادرات به سمت و سوی کشورهای عضو سازمان جریان دارد که این ارقام به ۹۲ درصد در مورد سومالی و ۵۹ درصد در مورد لبنان می‌رسد. حال اگر رقم متوسطی برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در نظر بگیریم، به این نتیجه خواهیم رسید که صادرات درون‌گروهی معادل ۱۰/۷ درصد است. همچنین شایان توجه است که قسمت اعظم صادرات ۱۰ کشور از کشورهای عضو گروه به کشورهای در حال توسعه صورت می‌پذیرد.

درجه تأثیر اجرای مقررات دور اروگوئه بر کشورهای مختلف، همچنین بستگی به ترکیب شرکای تجاری سنتی آنان و یا به عبارت دیگر به سمت و سوی تجارت خارجی آنان دارد. همچنین رابطه بین جهت تجارت و تبعات بالقوه ناشی از اجرای مقررات دور اروگوئه بستگی به امتیازات اعطا شده از جانب شرکای تجاری و زمان و همچنین درجه و میزان آزادسازی و یا محدودیت‌های تجاری قبل از دور اروگوئه در ارتباط با ورود به بازارهای شرکای عمده تجاری خواهد داشت.

همچنان که از جداول شماره ۵ و ۶ برمی‌آید، شرکای عمده تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای توسعه‌یافته هستند که ۵۹ درصد صادرات این کشورها را جذب می‌نمایند و این در حالی است که سهم کشورهای در حال توسعه که شامل کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز می‌باشد، از کل صادرات این کشورها تنها به ۳۷ درصد بالغ می‌گردد. کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۵۰ درصد صادرات

جدول ۵

مقصد صادرات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برحسب گروه کشورها در سال ۱۹۹۳

(درصد)

جهان	کشورهای در حال توسعه	کشورهای پیشرفته	ژاپن	آمریکا	اتحادیه اروپا	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	
۱۰۰/۰	۱۳/۵	۲۷/۰	۰/۶	۱/۱	۲۲/۵	۹/۰	افغانستان
۱۰۰/۰	۱۰/۵	۸۹/۴	۰/۸	۱۵/۷	۶۷/۷	۲/۱	الجزایر
۱۰۰/۰	۳/۸	۹۴/۹	۳/۸	۳۸/۵	۵۰/۰		آذربایجان
۱۰۰/۰	۲۱/۲	۱۰/۳	۵/۴	۱/۵	۲/۵	۶/۴	بحرین
۱۰۰/۰	۲۰/۴	۷۸/۷	۲/۵	۳۳/۶	۳۸/۶	۶/۵	بنگلادش
۱۰۰/۰	۵۴/۵	۴۴/۸	۰/۷	۱۰/۳	۳۱/۰	۱۹/۳	بنین
۱۰۰/۰	۲۲/۰	۷۴/۵	۵۴/۲	۱/۲	۱۷/۹	۰/۱	برونئی
۱۰۰/۰	۸۶/۲	۱۳/۷	۰/۹		۱۲/۶	۱/۶	بورکینافاسو
۱۰۰/۰	۲۲/۳	۷۷/۷	۲/۰	۵/۷	۶۶/۰	۱۳/۶	کامرون
۱۰۰/۰	۲۰/۳	۷۸/۴	۴/۱		۷۴/۳	۸/۱	چاد
۱۰۰/۰	۵۹/۳	۴۰/۷		۱۶/۷	۲۴/۱	۲۳/۳	کومور
۱۰۰/۰	۹۶/۶	۴/۶			۴/۶	۳۴/۵	جیبوتی
۱۰۰/۰	۳۴/۵	۶۳/۷	۲/۰	۱۲/۹	۴۵/۸	۱۲/۹	مصر
۱۰۰/۰	۱۵/۴	۸۴/۰	۱۵/۶	۴۱/۶	۲۴/۴	۳/۷	گابن
۱۰۰/۰	۱۳/۸	۸۵/۵	۲۲/۰	۵/۷	۵۷/۹	۶/۹	گامبیا
۱۰۰/۰	۴۳/۸	۵۶/۲	۰/۴	۱۳/۶	۴۰/۲	۳/۲	گینه
۱۰۰/۰	۴۱/۲	۵۸/۸	۲/۹		۵۲/۹		گینه بیسائو
۱۰۰/۰	۳۷/۴	۶۲/۴	۳۰/۳	۱۴/۲	۱۴/۴	۶/۹	اندونزی
۱۰۰/۰	۳۷/۶	۶۲/۴	۱۴/۸		۴۴/۳	۸/۵	ایران
۱۰۰/۰	۱۱/۸	۸۸/۲			۸۲/۴		عراق
۱۰۰/۰	۱۵/۰	۸۵/۰			۸۱/۳	۱۱/۲	لیبی
۱۰۰/۰	۶۷/۵	۱۱/۷	۱/۸	۱/۶	۶/۶	۳۷/۵	اردن
۱۰۰/۰	۳۸/۵	۶۱/۵	۱۸/۲	۲۱/۶	۲۱/۰	۴/۶	کویت
۱۰۰/۰	۸۴/۸	۱۳/۹	۰/۰	۲/۵	۱۰/۱		قرقیزستان
۱۰۰/۰	۶۷/۹	۳۲/۱	۴/۶	۴/۰	۱۳/۷	۵۹/۰	لبنان
۱۰۰/۰	۴۸/۷	۵۱/۳	۱۳/۰	۲۰/۳	۱۴/۵	۵/۸	مالزی
۱۰۰/۰	۳۶/۴	۶۳/۶	۱/۵	۳۴/۸	۲۵/۸		مالدیو
۱۰۰/۰	۶۱/۹	۳۷/۷	۱/۳	۰/۴	۳۴/۳	۱۵/۳	مالی
۱۰۰/۰	۱۲/۹	۸۶/۴	۲۵/۲	۱/۶	۵۹/۵	۴/۹	موریتانی

جهان	کشورهای در حال توسعه	کشورهای پیشرفته	زاین	آمریکا	اتحادیه اروپا	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	
۱۰۰/۰	۱۶/۷	۸۲/۵	۴/۹	۳/۷	۶۹/۷	۱۰/۲	مراکش
۱۰۰/۰	۳۵/۴	۶۳/۳	۰/۴	۲/۵	۵۷/۹	۳/۸	نیجر
۱۰۰/۰	۱۸/۱	۸۱/۹	۰/۱	۴۴/۱	۲۹/۷	۱/۲	نیجریه
۱۰۰/۰	۷۴/۶	۲۵/۴	۱۹/۵	۳/۸	۱/۹	۳۹/۰	عمان
۱۰۰/۰	۴۰/۵	۵۸/۷	۷/۲	۱۴/۵	۳۰/۳	۱۸/۴	پاکستان
۱۰۰/۰	۲۸/۳	۶۸/۳	۶۲/۴	۲/۱	۱/۹	۱۴/۲	قطر
۱۰۰/۰	۴۰/۸	۵۹/۰	۱۷/۱	۱۶/۲	۲۱/۸	۱۴/۰	عربستان سعودی
۱۰۰/۰	۲/۲	۴۳/۵	۱/۶	۰/۳	۳۹/۴	۲۶/۲	سنگال
۱۰۰/۰	۲/۲	۷۵/۸		۲۰/۷	۵۱/۵		سیرالئون
۱۰۰/۰	۹۳/۲	۷/۷			۶/۸	۹۲/۳	سومالی
۱۰۰/۰	۴۸/۰	۵۲/۰	۹/۱	۳/۱	۳۸/۶	۳۳/۷	سودان
۱۰۰/۰	۳۴/۰	۶۲/۵	۰/۴	۲/۵	۵۸/۳	۲۵/۴	سوریه
۱۰۰/۰	۱۷/۱	۸۲/۹	۸/۵	۱۴/۵	۴۸/۷		تاجیکستان
۱۰۰/۰	۱۵/۴	۸۱/۹	۰/۲	۰/۹	۷۹/۹	۱۲/۱	تونس
۱۰۰/۰	۳۶/۱	۵۵/۸	۱/۰	۷/۱	۴۴/۲	۱۴/۳	ترکیه
۱۰۰/۰	۱۰/۲	۸۹/۹	۲/۶	۱/۰	۷۰/۹		ترکمنستان
۱۰۰/۰	۱۴/۹	۸۵/۱	۲/۲	۷/۵	۶۸/۷	۸/۲	اوگاندا
۱۰۰/۰	۳۴/۵	۴۴/۸	۳۴/۶	۳/۰	۴/۳	۱۴/۸	امارات متحده عربی
۱۰۰/۰	۳۶/۷	۵۹/۰	۱۵/۷	۱۳/۳	۲۶/۴	۱۰/۷	متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

منبع: راهمایی آمارهای نحاری کتاب سال ۱۹۹۴. صندوق بین المللی پول

در مورد کشورهای بحرین، افغانستان، اردن، سنگال، سیرالئون و امارات متحده عربی، کل صادرات طبقه بندی شده به ۱۰۰٪ نزدیک شده است. مانده موجود در کشور یا منطقه مشخص نشده است.

واردات بین گروهی فقط ۱۰ درصد است، معهذا باید گفت که برخی از کشورهای عضو گروه دارای علایق تجاری مهمی با یکدیگر و با کشورهای در حال توسعه می باشند.

آمار و ارقام جدول شماره ۵ و ۶ آشکار می سازد که شرکای عمده تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای توسعه یافته هستند. این بدان معناست که کشورهای مزبور تحت تأثیر شدید و قابل توجه سیاست های تجاری و تعرفه ای کشورهای صنعتی قرار خواهند داشت. حذف و لغو سهمیه ها بر اثر اجرای فرآیند تعرفه ای کردن موانع

در مورد واردات نیز همین وضعیت کم و بیش مصداق دارد که البته تمرکز بیشتر روی واردات از کشورهای توسعه یافته است. ۶۶/۴ درصد کل واردات این کشورها به طور متوسط از کشورهای صنعتی و ۳۲ درصد از کشورهای در حال توسعه است. سهم کشورهای توسعه یافته از واردات در مورد ۲۶ کشور از ۴۷ کشور بیش از ۵۰ درصد است. این درصد در یک مورد حتی به ۹۹ درصد هم می رسد. این سهم در مورد ۱۱ کشور بین ۲۲ و ۴۹/۸ درصد متغیر است. گرچه حجم عمده واردات از کشورهای توسعه یافته تأمین می شود و سهم

کنفرانس اسلامی به وجود خواهد آورد، مشروط بر اینکه آنها نیز به نوبه خود قادر باشند اقتصادهای خود را براساس اصل رقابت آزاد، تجدید ساختار نمایند.

غیرتعرفه‌ای، کاهش پیش‌بینی شده در نرخ‌های تعرفه، محدود کردن اقدامات حمایتی داخلی و غیره که متعاقب دور اروگونه از طرف کشورهای صنعتی اعمال خواهد شد، فرصت‌های مثبت و مناسبی را برای صادرات و اقتصاد کشورهای عضو سازمان

جدول ۶

مبدأ واردات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برحسب گروه کشورها در سال ۱۹۹۳

(درصد)

جهان	کشورهای در حال توسعه	کشورهای پیشرفته	ژاپن	آمریکا	اتحادیه اروپا	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	
۱۰۰/۰	۲۹/۲	۲۸/۹	۱۶/۵	۱/۶	۱۰/۱	۴/۹	افغانستان
۱۰۰/۰	۹/۶	۸۹/۲	۳/۴	۱۲/۴	۶۵/۷	۵/۹	آلبانی
۱۰۰/۰	۱/۵	۹۹/۰	۳/۴	۴۹/۰	۳۳/۵		الجزایر
۱۰۰/۰	۵۴/۵	۴۰/۴	۵/۳	۱۵/۱	۱۶/۲	۴۶/۳	آذربایجان
۱۰۰/۰	۴۷/۷	۳۵/۵	۱۲/۵	۴/۳	۱۲/۲	۹/۲	بحرین
۱۰۰/۰	۴۹/۴	۴۹/۸	۲/۵	۲/۸	۴۲/۵	۲/۳	بنگلادش
۱۰۰/۰	۴۰/۴	۵۶/۳	۵/۴	۲۰/۲	۲۷/۱	۹/۹	بنین
۱۰۰/۰	۵۶/۹	۴۱/۹	۵/۱	۳/۳	۳۲/۵	۴/۰	برونئی
۱۰۰/۰	۱۹/۴	۸۰/۵	۵/۳	۵/۲	۶۶/۳	۱۱/۱	بورکینافاسو
۱۰۰/۰	۳۳/۸	۶۶/۲	۲/۹	۵/۸	۵۶/۱	۲۹/۵	چاد
۱۰۰/۰	۱۷/۸	۸۲/۲	۲/۲		۷۸/۹	۳/۳	کومور
۱۰۰/۰	۴۲/۷	۵۳/۶	۶/۱	۳/۶	۴۳/۰	۱۵/۵	گیبوتی
۱۰۰/۰	۲۴/۳	۷۲/۹	۵/۸	۲۱/۴	۳۹/۰	۶/۰	مصر
۱۰۰/۰	۳۱/۵	۶۸/۴	۵/۰	۵/۰	۵۶/۴	۷/۹	گابن
۱۰۰/۰	۴۸/۲	۴۹/۲	۳/۷	۲/۹	۴۱/۳	۴/۲	گامبیا
۱۰۰/۰	۴۲/۶	۵۷/۴	۲/۸	۸/۱	۴۵/۱	۸/۳	گینه
۱۰۰/۰	۴۶/۶	۴۹/۳	۲/۷	۱/۴	۴۳/۸	۰/۷	گینه بیسائو
۱۰۰/۰	۳۴/۲	۶۵/۴	۲۲/۱	۱۱/۵	۱۹/۹	۵/۹	اندونزی
۱۰۰/۰	۳۱/۷	۶۷/۹	۱۰/۳	۴/۳	۴۳/۷	۱۴/۲	ایران
۱۰۰/۰	۲۲/۴	۷۷/۶	۰/۵	۲/۶	۵۲/۱	۹/۴	عراق
۱۰۰/۰	۲۴/۰	۷۵/۳	۳/۲		۶۵/۹	۱۵/۸	لیبی
۱۰۰/۰	۴۱/۸	۵۷/۹	۵/۴	۱۱/۷	۳۴/۸	۱۸/۵	اردن
۱۰۰/۰	۱۵/۲	۸۴/۸	۱۷/۵	۱۸/۱	۴۳/۶	۳/۰	کویت
۱۰۰/۰	۴۵/۷	۵۴/۳		۲۱/۷	۳۱/۵		قرقیزستان
۱۰۰/۰	۳۱/۰	۶۹/۰	۳/۲	۹/۵	۵۱/۱	۱۳/۴	لبنان
۱۰۰/۰	۳۷/۰	۶۲/۵	۲۷/۵	۱۷/۰	۱۱/۶	۲/۷	مالزی
۱۰۰/۰	۷۷/۵	۲۲/۰	۴/۶	۰/۵	۹/۶	۵/۰	مالدیو
۱۰۰/۰	۶۲/۳	۳۳/۳	۱/۴	۴/۰	۲۶/۹	۱۰/۹	مالی
۱۰۰/۰	۲۴/۷	۷۱/۲	۲/۵	۳/۸	۶۱/۸	۱۳/۲	موریتانی

جهان	کشورهای در حال توسعه	کشورهای پیشرفته	ژاپن	آمریکا	اتحادیه اروپا	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	
۱۰۰/۰	۲۸/۲	۷۱/۶	۱/۰	۷/۷	۵۸/۷	۱۸/۲	مراکش
۱۰۰/۰	۲۹/۴	۴۳/۷	۲/۰	۳/۴	۳۷/۲	۲/۲	نیجر
۱۰۰/۰	۲۴/۳	۷۵/۵	۷/۳	۱۳/۱	۵۰/۱	۳/۰	نیجریه
۱۰۰/۰	۳۶/۴	۶۳/۶	۲۰/۸	۶/۶	۲۹/۹	۲۸/۶	عمان
۱۰۰/۰	۴۴/۹	۵۵/۱	۱۵/۷	۹/۳	۲۲/۸	۲۵/۶	پاکستان
۱۰۰/۰	۲۵/۲	۷۴/۸	۱۳/۴	۱۰/۱	۴۳/۹	۱۵/۳	قطر
۱۰۰/۰	۲۴/۴	۷۴/۸	۱۲/۷	۲۰/۶	۳۳/۶	۸/۴	عربستان سعودی
۱۰۰/۰	۲۸/۰	۶۹/۳	۲/۸	۶/۳	۵۶/۹	۶/۳	سنگال
۱۰۰/۰	۳۳/۱	۶۵/۳	۴/۹	۹/۴	۴۶/۱	۴/۷	سیرالئون
۱۰۰/۰	۳۸/۵	۵۸/۵	۲/۴	۱۶/۶	۳۵/۶	۳۲/۲	سومالی
۱۰۰/۰	۵۶/۳	۴۳/۷	۴/۳	۵/۱	۳۱/۴	۳۹/۰	سودان
۱۰۰/۰	۳۳/۱	۵۵/۵	۸/۱	۶/۱	۳۷/۸	۱۱/۴	سوریه
۱۰۰/۰	۴۴/۲	۵۵/۸		۸/۴	۴۱/۶	۰/۶	تاجیکستان
۱۰۰/۰	۱۳/۱	۸۴/۹	۲/۳	۵/۷	۷۲/۶	۵/۶	تونس
۱۰۰/۰	۳۰/۳	۶۶/۷	۴/۳	۱۱/۴	۴۵/۲	۱۱/۷	ترکیه
۱۰۰/۰	۱۷/۷	۸۲/۷	۳/۵	۱۹/۲	۵۷/۷		ترکمنستان
۱۰۰/۰	۴۱/۳	۵۸/۹	۸/۴	۶/۱	۳۸/۷	۴/۵	اوگاندا
۱۰۰/۰	۴۱/۶	۵۶/۱	۱۲/۵	۸/۹	۳۰/۱	۱۳/۹	امارات متحده عربی
۱۰۰/۰	۳۱/۹	۶۶/۴	۱۲/۸	۱۲/۷	۳۴/۲	۱۰/۲	متوسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

منبع: راهنمای آمارهای تجاری کتاب سال ۱۹۹۴ - صندوق بین المللی پول

در مورد کشورهای افغانستان، بنگلادش، نیجر و سوریه، کل واردات طبقه بندی شده به ۱۰۰ درصد نزدیک نشده است. مانده موجود کشور یا منطقه مشخص نشده است.

تجاری، قابل مقایسه با فعالیت کشورهای صنعتی در این زمینه نبوده است. بنابراین انتظار می رود تمام موافقت نامه ها و مقررات دور آروگوئه به نحوی با یکدیگر عجین خواهند شد که به طور عمده منافع کشورهای توسعه یافته را منعکس نمایند.

ملاحظات فوق این معنا و مفهوم را القا می نماید که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برای توانمند شدن، جهت تحصیل حداکثر سود و تقلیل زیان ها به حداقل، بایستی مساعی فراوانی را برای آماده سازی خود به انجام برسانند. این امر تنها به این خاطر نیست که این کشورها برعکس شرکای عمده تجاری خود، قیمت پذیر هستند، بلکه عامل مهم دیگر این است که مشارکت و درگیری اینان در فرآیند طولانی مذاکرات